



سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
مرکز بررسی‌های راهبردی روابط فرهنگی

بازنمایی جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران در تولیدات محتوایی اندیشه‌های عربی

علیرضا شمسایی

کارشناس گروه افکارسنجی و ویژند ملی مرکز بررسی‌های راهبردی روابط فرهنگی

نوع سند: یادداشت سیاستی

نسخه: عمومی

شناسه سند: ۵۰۱۲۹-۵۰۴۱۴-۰۵۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۱/۳۰

گروه: افکارسنجی و ویژند ملی

پرونده: ویژند ملی





چکیده

در خلال سه‌ماهه منتهی به پایان فروردین ۱۴۰۵، فضای اندیشکده‌های جهان عرب به شکل بی‌سابقه‌ای متأثر از افزایش تنش‌های نظامی و رسانه‌ای میان ایران، ایالات متحده و اسرائیل بود. در این بازه، شش اندیشکده محوری^۱ شامل «مرکز اماراتی برای سیاست‌ها»، «مرکز العربی برای پژوهش‌های سیاسی قطر»، «مرکز المسبار دوبی»، «مرکز ملک فیصل عربستان»، «مرکز النهرین عراق» و «مرکز الدراسات الاستراتیجیه لبنان»، بیشترین محتوای مرتبط با ایران و جنگ آمریکا و اسرائیل را منتشر کردند و در شکل‌دهی گفتمان امنیتی - عربی نقش مؤثری ایفا نمودند. بازخوانی این تولیدات محتوایی، سه الگوی معنایی را در بازنمایی ایران آشکار می‌کند: ایران تهدیدزا و بی‌ثبات‌کننده در گفتمان خلیجی؛ ایران مقاوم و بازدارنده در روایت قطری و لبنانی؛ و ایران عمل‌گرا و فرصت‌جو در تحلیل‌های عراقی. این الگوها نشان می‌دهند که ذهنیت راهبردی عربی درباره ایران در گذار از نگاه صرفاً ایدئولوژیک، به سمت فهمی ژئوپلیتیکی قرار دارد؛ فهمی که ایران را نه فقط عامل بحران، بلکه تعیین‌کننده قواعد آن می‌بیند.

مقدمه

تحلیل محتوای بیش از ۲۰۰ محتوای منتشرشده در وبگاه‌های اندیشکده‌های عربی طی بازه زمانی سه ماهه گذشته، نشان می‌دهد که واژگان و ترکیب‌هایی چون؛ «بازدارندگی ایرانی»، «تهدید هسته‌ای»، «تنش‌آفرینی آمریکایی»، «مقاومت منطقه‌ای» و «گذرگاه‌های دریایی خلیج فارس» بسامد بسیار بالایی داشته‌اند. تکرار این واژگان نشان می‌دهد که ادبیات امنیتی این اندیشکده‌ها از توصیف ایران به‌عنوان «مشکل سیاسی»، به تبیین آن به‌عنوان «پدیده راهبردی» تغییر یافته است.

نکته قابل تأمل، آنکه با شروع عملیات نظامی مشترک آمریکا و اسرائیل علیه ایران در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ (۹ اسفند ۱۴۰۴)، گفتمان اندیشکده‌های عربی وارد مرحله جدیدی شد. در این مرحله، تمرکز تحلیل‌ها از «احتمال وقوع جنگ» به «پیامدهای راهبردی جنگ جاری» تغییر جهت داد. به‌عنوان مثال، مرکز اماراتی برای سیاست‌ها در مقاله‌ای با عنوان

^۱ - منطق انتخاب اندیشکده‌های مورد بررسی در این تحلیل بر چهار پایه زیر استوار است: میزان اثرگذاری آنها بر فضای سیاست‌پژوهی و تصمیم‌سازی در کشورهای عربی؛ حضور فعال و مستمر در تولید محتوای مرتبط با ایران و امنیت منطقه‌ای؛ تنوع رویکردهای تحلیلی و ایدئولوژیک؛ و نمایندگی گرایش‌های مختلف در محیط فکری عربی.



«الحرب الإسرائيلية-الأمريكية على إيران: الأهداف والسيناريوهات» (منتشر شده در ۵ مارس ۲۰۲۶) به تحلیل اهداف و سناریوهای این جنگ پرداخت. مرکز العربی نیز در همان بازه، دو تحلیل جامع با عناوین «الحرب الإسرائيلية - الأمريكية على إيران: خلفياتها وأهدافها» (۴ مارس ۲۰۲۶) و «الحرب الإسرائيلية - الأمريكية على إيران» (۱۶ مارس ۲۰۲۶) منتشر کرد که در آنها به بررسی دقیق ابعاد مختلف این درگیری پرداخته شد.

در ذهن راهبردی عربی، ایران هم منبع تهدید و هم شاخص توازن قدرت منطقه‌ای است؛ تضادی که باعث شده تصویر ایران همزمان از حیث نظامی «خطرناک» و از حیث ژئوپلیتیکی «ضروری» جلوه کند. این دوگانگی در تمامی تحلیل‌های مورد بررسی به چشم می‌خورد و نشان‌دهنده پیچیدگی روزافزون درک جهان عرب از جایگاه و نقش ایران در معادلات منطقه‌ای است.

۱. مرکز اماراتی برای سیاست‌ها (EPS)^۲

مرکز اماراتی برای سیاست‌ها در بازنمایی ایران از الگوی «تهدید ساختاری» پیروی می‌کند. در تحلیل‌های این مرکز، ایران به‌طور پیوسته به‌عنوان «منبع تنش ساختاری» و «عامل بی‌ثباتی امنیتی خلیج فارس» معرفی می‌شود. تحلیلگران EPC بر سه محور اصلی تمرکز دارند: بزرگ‌نمایی خطر برنامه موشکی و پهپادی ایران؛ تأکید بر رفتار «توسعه‌طلبانه» ایران در عراق، سوریه، لبنان و یمن؛ و برجسته‌سازی نقش ایران در تهدید امنیت انرژی و تجارت دریایی. ادبیات تحلیلی این مرکز، عمدتاً شبه‌امنیتی و با واژگانی چون «ریسک»، «عدم قطعیت» و «تهدید راهبردی» آمیخته است.

پس از آغاز عملیات نظامی مشترک آمریکا و اسرائیل علیه ایران در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، EPC تحلیل جامعی با عنوان «الحرب الإسرائيلية-الأمريكية على إيران: الأهداف والسيناريوهات» منتشر کرد. در این تحلیل، احتمال جنگ را واقعی، اما کنترل‌پذیر ارزیابی کرده و بیشترین تأکید را بر «سناریوی حملات دقیق اسرائیل» و «ضرورت انسجام دفاعی عربی - آمریکایی» قرار داده است. از منظر EPC، جنگ با ایران، ابزاری برای مهار تهران است؛ نه تغییر رژیم. این مرکز هشدار می‌دهد که حمله هوایی اسرائیل (حتی اگر محدوده

^۲ مرکز اماراتی برای سیاست‌ها (EPC) اندیشه‌های مستقل در ابوظبی (تأسیس ۲۰۱۳) به‌ریاست دکتر ابتسام الکتبی است. این مرکز در حوزه‌های روابط خارجی امارات متحده عربی، امنیت شورای همکاری خلیج فارس، ژئوپلیتیک خاورمیانه و تحولات جهان عرب پژوهش می‌کند. EPC افزون بر انتشار بولتن‌های هفتگی و گزارش‌های راهبردی، نشست سالانه «مناظره راهبردی ابوظبی» را برگزار می‌کند و تحلیل‌های آن عموماً بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های رسمی امارات در مسائل منطقه‌ای است. وبگاه: www.epc.ae



جغرافیایی کوچکی را هدف گیرد)، می‌تواند بازار جهانی نفت و ثبات مالی خلیج فارس را متأثر کند و توصیه می‌کند که کشورهای عربی خلیج فارس باید اتکای دفاعی خود به آمریکا را تقویت کرده و سپرهای موشکی منطقه‌ای را توسعه دهند.

همچنین EPC در تحلیل دیگری با عنوان «کیف یُعید الاتفاق المحتمل بین واشنگتن و طهران إنتاج الصراع؟» استدلال می‌کند که هرگونه توافق احتمالی میان واشنگتن و تهران، به جای پایان دادن به منازعه، آن را در قالبی جدید از «تنش کنترل‌شده» بازتولید خواهد کرد که هرچند تنش‌ها را کاهش می‌دهد، اما ریشه‌های آن را درمان نمی‌کند. این دیدگاه نشان‌دهنده بدبینی عمیق EPC نسبت به امکان عادی‌سازی روابط با ایران و تلقی این مرکز از ایران به عنوان بازیگری است که اساساً در پی بی‌ثبات‌سازی منطقه می‌باشد.

در مجموع EPC با نسبت دادن نگاه تهدیدمحور، سخت‌گیرانه و امنیتی؛ تلاش برای مشروعیت‌بخشی به حضور نظامی آمریکا، تشکیل سپر دفاعی عربی و تقویت همکاری امنیتی با اسرائیل؛ ایران را عامل بی‌ثباتی، قدرت رو به رشد و ریسک جدی برای امنیت خلیج فارس تصویر می‌کند.

۲. مرکز العربی برای پژوهش‌های سیاسی (ACRPS)^۳

مرکز العربی برای پژوهش‌های سیاسی قطر، رویکردی کاملاً متفاوت از EPC در بازنمایی ایران اتخاذ می‌کند. این مرکز ایران را به عنوان «کنشگری منطقی» و «قدرت تثبیت‌کننده» در برابر افراط‌گرایی منطقه‌ای تصویر می‌نماید. تحلیلگران قطری بر پیچیدگی ساختار تصمیم‌گیری ایرانی تأکید دارند و آن را نه نشانه ضعف، بلکه نشانه عقلانیت راهبردی می‌دانند. از منظر ACRPS، ایران بازیگری است که می‌کوشد از فروپاشی نظم منطقه‌ای جلوگیری کند و توازن قدرت را در برابر هژمونی آمریکا و اسرائیل حفظ نماید.

در تحلیل جامع «الحرب الإسرائيلية - الأميركية على إيران: خلفياتها وأهدافها» واحد مطالعات سیاسی این مرکز به بررسی دقیق ابعاد جنگ پرداخته است. این تحلیل، تصریح

^۳ مرکز العربی برای پژوهش‌ها و مطالعات سیاسی (ACRPS) مؤسسه‌ای تحقیقاتی مستقل در دوحه، قطر (تأسیس ۲۰۱۰) به مدیریت دکتر عزمی بشاره است. این مرکز در حوزه‌های علوم اجتماعی، علوم انسانی کاربردی، تاریخ منطقه‌ای و ژئواستراتژی پژوهش می‌کند. واحد مطالعات ایران در ACRPS به ریاست دکتر مهران کامروا، کنفرانس سالانه «پویایی‌های امنیتی در ایران» را برگزار می‌کند. این مؤسسه دارای دفاتری در بیروت و تونس است و انتشارات آن به زبان‌های عربی و انگلیسی منتشر می‌شود (وبگاه www.dohainstitute.org)



می‌کند که «هدف نهایی عملیات (اگر هدف مشخص و واضحی وجود داشته باشد)، سرنگونی نظام ایران است» و اشاره می‌کند که حمله آغازین، منجر به ترور رهبر عالی ایران، آیت‌الله علی خامنه‌ای و شمار زیادی از فرماندهان نظامی و امنیتی گردید. با این حال، تحلیل ACRPS بلافاصله اضافه می‌کند که ایران به سرعت با حملات متقابل با استفاده از موشک‌های بالستیک و پهپادها علیه اسرائیل، پایگاه‌های آمریکایی و تأسیسات اقتصادی در کشورهای عربی خلیج فارس، اردن و قبرس پاسخ داد تا هزینه جنگ را برای آمریکا و متحدانش افزایش دهد و اقتصاد جهانی را تحت فشار قرار دهد.

ACRPS همچنین تأکید می‌کند که هر حمله نظامی به ایران، خروج پایدار سرمایه و بی‌ثباتی گسترده در بازار انرژی را به دنبال دارد و بسیاری از دولت‌های عربی، خواهان حفظ فاصله از چنین درگیری‌ای هستند.

دکتر عزمی بشاره، مدیر کل این مرکز، در مصاحبه‌ای پیش از آغاز جنگ (ژانویه ۲۰۲۶) استدلال کرده بود که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به دنبال تغییر رژیم ایران نیست، بلکه می‌خواهد ایران را مطیع سازد و به پذیرش امتیازات رادیکال وادار کند. این دیدگاه، نشان‌دهنده درک دقیق ACRPS از پویایی‌های راهبردی میان تهران و واشنگتن است.

در مجموع، می‌توان گفت ACRPS با یک نگاه متوازن، تحلیل‌محور و تا حدی همدلانه با ایران؛ ایران را بخشی از سیستم امنیت منطقه می‌داند؛ نه تهدید اصلی آن. این مرکز روایت‌های «مقاومت» و «بازدارندگی» را مشروعیت مفهومی می‌بخشد و به‌عنوان پادزهر فکری در برابر گفتمان خلیجی عمل می‌کند.

۳. مرکز المسبار (دوبی)^۴

مرکز المسبار رویکردی متفاوت از سایر اندیشکده‌های خلیجی دارد و بر جنبه‌های اجتماعی و رسانه‌ای نزاع تمرکز می‌کند. این مرکز، ایران را به‌عنوان «بازیگر ایدئولوژیک مؤثر» و دارای «شبکه نفوذ اجتماعی» در جهان عرب معرفی می‌کند. برخلاف EPC که تصویرسازی نظامی و امنیتی از ایران ارائه می‌دهد، المسبار بر قدرت نرم ایران (از جمله

^۴ مرکز المسبار برای مطالعات و پژوهش‌ها اندیشکده‌ای مستقل در دوبی (تأسیس ۲۰۰۷ توسط ترکی بن عبدالله الدخیل) است. این مرکز تخصصی بر مطالعه جنبش‌های اسلامی معاصر و پدیده‌های فرهنگی در جهان عرب و اسلام تمرکز دارد. تیم پژوهشگران چندزبانه آن از کشورهای عربی، آمریکا و اروپا گرد آمده‌اند. المسبار با انتشار کتاب‌های ماهانه، بولتن‌های تحلیلی و کتاب‌های صوتی، به‌عنوان بازوی فکری سیاست خارجی امارات در مقابله با اسلام سیاسی و نفوذ ایران شناخته می‌شود (وبگاه: www.almesbar.net (عربی) و www.mesbar.org (انگلیسی)).



رسانه‌ها، نفوذ فرهنگی و تصویرسازی مردمی) متمرکز است. با این حال، در جمع‌بندی‌های نهایی، المسبار بر این باور است که ایران توان اغراق‌شده‌ای در صحنه نظامی دارد و بدون حمایت روسیه و چین، توان رویارویی مستقیم با آمریکا و اسرائیل را ندارد.

المسبار به‌طور خاص به تحلیل «جنگ روایت‌ها» می‌پردازد و معتقد است که جنگ واقعی، اثرش کمتر از جنگ روانی و رسانه‌ای است. تحلیل‌های این مرکز هشدار می‌دهد که هر جنگ مستقیم علیه ایران می‌تواند احساسات ضداسرائیلی را در جهان عرب زنده کند و به تقویت مشروعیت ایران در افکار عمومی عربی بینجامد. در تحلیلی که توسط شبکه الجزیره (که ارتباط نزدیکی با فضای فکری قطر و تا حدی المسبار دارد) منتشر شده، به نقل از گزارش‌های اطلاعاتی آمریکا آمده است که «ایران توانایی فوق‌العاده‌ای در بازسازی سکوه‌های پرتاب موشک‌های بالستیک و استحکامات زیرزمینی، تنها ظرف چند ساعت پس از حملات نظامی آمریکا و اسرائیل دارد. این گزارش می‌افزاید که «نیروهای ایرانی موفق می‌شوند سکوه‌های پرتاب و پناهگاه‌های زیرزمینی را پس از هدف قرار گرفتن با سرعت شگفت‌انگیزی ترمیم کرده و به وضعیت عملیاتی بازگردانند» که این مسئله تردیدهایی را درباره اثربخشی راهبرد تضعیف توان موشکی ایران ایجاد کرده است.

در مجموع می‌توان گفت که المسبار با یک روایت نیمه‌انتقادی - نیمه‌تحلیلی؛ ایران را به‌عنوان قدرتی با قدرت نرم قوی، توان نظامی متوسط و شبکه نفوذ اجتماعی گسترده تصویر می‌کند. این مرکز، بیش از همه، به تصویر اجتماعی ایران در جهان عرب می‌پردازد و به‌عنوان بازوی فکری سیاست خارجی امارات در مقابله با اسلام سیاسی و نفوذ ایران عمل می‌کند.

۴. مرکز ملک فیصل (KFCRIS)^۵

مرکز ملک فیصل برای پژوهش‌ها و مطالعات اسلامی، به‌عنوان مهم‌ترین اندیشه‌ساز سعودی، ایران را «قدرت مشکل‌ساز» و «چالش امنیت ملی عربستان» تلقی می‌کند. تمرکز اصلی تحلیل‌های این مرکز بر برنامه هسته‌ای ایران، موشک‌های بالستیک و نقش ایران در

^۵ مرکز ملک فیصل برای پژوهش‌ها و مطالعات اسلامی (KFCRIS) مؤسسه‌ای تحقیقاتی در ریاض (تأسیس ۱۹۸۳) به‌ریاست شاهزاده ترکی الفیصل است. این مرکز در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، مطالعات اسلامی، تاریخ و فرهنگ عربی پژوهش می‌کند. کتابخانه آن با بیش از ۲۰۰۰۰۰ کتاب و ۳۰۰۰۰ پایان‌نامه، یکی از غنی‌ترین مراکز اسناد در جهان عرب است. KFCRIS افزون بر حوزه‌های سنتی، چهار حوزه جدید شامل اقتصاد اجتماعی، مطالعات آفریقا، آسیا و یمن را نیز پوشش می‌دهد (وبگاه: www.kfcris.com).



یمن است. از میان تمام اندیشکده‌های خلیجی، مراکز سعودی تکنیکی‌ترین و دقیق‌ترین تحلیل‌ها را درباره‌ی توان موشکی و پهنپادی ایران منتشر کرده‌اند.

پس از آغاز جنگ در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، شاهزاده ترکی الفیصل، رئیس هیئت مدیره KFCRIS و سفیر اسبق عربستان در آمریکا، در مصاحبه‌ای با بلومبرگ (۳ مارس ۲۰۲۶) اعلام کرد که «عربستان سعودی به عمق جنگ منطقه‌ای در حال گسترش کشیده شده است؛ زیرا ایران حملات خود به این پادشاهی را تشدید کرده است». وی افزود که «پهنپادها تأسیسات آرامکو را هدف قرار دادند که منجر به تعطیلی بزرگ‌ترین پالایشگاه نفت این کشور شد» و این اقدام ایران را «گامی تحریک‌آمیز برای گرفتن پاسخ از شورای همکاری خلیج فارس» توصیف کرد. این اظهارات نشان‌دهنده نگرانی عمیق عربستان از پیامدهای جنگ و احتمال گسترش آن به زیرساخت‌های حیاتی این کشور است.

تحلیل‌های KFCRIS سناریوهای حمله اسرائیل به ایران را با جزئیات دقیق بررسی می‌کنند؛ از جمله مسیرهای احتمالی حملات، برد موشک‌ها و واکنش احتمالی ایران. این مرکز، جنگ را «محتمل، اما هزینه‌زا» ارزیابی می‌کند و نگرانی اصلی آن گسترش درگیری به تأسیسات آرامکو و زیرساخت‌های اقتصادی عربستان است. با این حال، در برخی تحلیل‌های اخیر، KFCRIS امکان «اعمال دیپلماسی مشروط» با ایران را نیز مطرح کرده است که نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری تاکتیکی در رویکرد سعودی است.

KFCRIS با یک نگاه تهدیدمحور، تکنوکراتیک و نظامی‌سازی‌شده؛ ایران را تهدیدی هسته‌ای - موشکی می‌داند، اما لزوماً آن را عامل جنگ‌طلبی تلقی نمی‌کند. این مرکز، به‌دنبال موازنه‌سازی میان مهار ایران و اجتناب از درگیری مستقیم است.

۵. مرکز النهرین (ANCSS)^۶

مرکز النهرین عراق، برخلاف اندیشکده‌های خلیجی، رویکردی میانه‌رو و همدلانه نسبت به ایران دارد. این مرکز ایران را به‌عنوان «قدرت مسئولیت‌پذیر» و «بازیگر عقلانی - معتدل در منطقه» معرفی می‌کند. بیشترین توجه این مرکز به موضوعات امنیت عراق، کنترل

^۶ مرکز النهرین برای مطالعات راهبردی (ANCSS) نهادی تحقیقاتی در بغداد (تأسیس ۲۰۱۲) است که زیر نظر شورای امنیت ملی عراق فعالیت می‌کند. این مرکز به تهیه پژوهش‌های راهبردی و سیاست‌های عملی در حوزه امنیت ملی عراق، تحلیل تهدیدها و چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌پردازد. برخلاف بسیاری از اندیشکده‌های خلیجی، رویکرد النهرین میانه‌رو و عمل‌گرایانه است و روابط سازنده‌ای با ایران دارد. بخش‌های تخصصی آن شامل مطالعات اجتماعی، تاریخی، انرژی و آب، و فناوری و امنیت سایبری است (وبگاه: www.alnahrain.iq).



تنش‌های مرزی و کاهش جنگ در منطقه معطوف است. از منظر النهرین، ایران بازیگری قابل اعتماد برای ثبات عراق و منطقه به‌شمار می‌رود.

پس از آغاز جنگ، مرکز النهرین موضعی صریح در حمایت از روایت ایران اتخاذ کرد. در مقاله‌ای که در وبگاه النهرین منتشر شد، به نقل از سخنگوی وزارت خارجه ایران آمده است: «ایران این جنگ را آغاز نکرده است، بلکه آمریکا و اسرائیل آن را شروع کرده‌اند و ما از خود دفاع می‌کنیم». این مقاله همچنین تصریح می‌کند که «تیروهای ایرانی اهداف نظامی خود را با دقت کامل انتخاب می‌کنند، برخلاف طرف آمریکایی که متهم به هدف قرار دادن تأسیسات غیرنظامی و مدارس است». این بازنمایی همدلانه از ایران، به وضوح نشان‌دهنده همسویی راهبردی بغداد با تهران در این منازعه است.

النهرین جنگ را برای عراق «فاجعه ژئوپلیتیک» می‌داند و احتمال آن را کم، اما پرخطر معرفی می‌کند. تحلیلگران این مرکز تأکید دارند که ایران از راهبرد «بازدارندگی متقابل» استفاده می‌کند و به دنبال جنگ نیست، بلکه می‌کوشد از فروپاشی نظم منطقه‌ای جلوگیری کند. این دیدگاه، النهرین را به نقطه اتصال فکری ایران و جهان عرب تبدیل کرده است.

ANCSS با یک نگاه همدلانه و واقع‌گرایانه؛ ایران را بازیگری عقلانی، مسئولیت‌پذیر و معتدل در منطقه تصویر می‌کند. این مرکز، ظرفیت تبدیل شدن به «نقطه اتصال فکری ایران - عرب» را دارد و می‌تواند به‌عنوان پل ارتباطی میان ایران و افکار عمومی عربی عمل کند.

۶. مرکز مطالعات راهبردی لبنان (CSSRD)^۷

مرکز مطالعات راهبردی لبنان، با رویکردی نزدیک به جریان مقاومت، ایران را عامل اصلی «توازن در برابر اسرائیل» و «ستون بازدارندگی منطقه» تصویر می‌کند. تمرکز اصلی تحلیل‌های این مرکز بر محور مقاومت، بازدارندگی موشکی ایران و برنامه‌های امنیت منطقه‌ای است. روایت‌های CSSRD در خدمت مشروعیت‌بخشی به محور مقاومت قرار دارند و ادبیات آنها ترکیبی از تحلیل علمی و بسیج رسانه‌ای است.

^۷ مرکز مطالعات راهبردی لبنان (CSSRD) مؤسسه‌ای مستقل در بیروت (فعال از دهه ۲۰۱۰) است که به تهیه پژوهش‌ها و تحلیل‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی از خاورمیانه و به‌طور خاص جهان عرب، ترکیه و ایران می‌پردازد. این مرکز با رویکردی نزدیک به جریان مقاومت (به‌ویژه در زمینه تحولات سوریه، لبنان و فلسطین اشغالی)، نقش فعالی در گفتمان مقاومت ایفا می‌کند (وبگاه: www.cssrd.org.lb).



در تحلیل «لبنان فی معترك الحرب الأمريكية الإسرائيلية علی ایران»، این مرکز به بررسی ابعاد مشارکت حزب‌الله در جنگ پرداخته است. این تحلیل تصریح می‌کند که «مشارکت حزب‌الله در حمایت از ایران در برابر آمریکا و اسرائیل در ۲ مارس ۲۰۲۶، پس از ترور رهبر عالی انقلاب اسلامی علی خامنه‌ای، صفحه جدیدی در سلسله رویارویی‌های اسرائیل و حزب‌الله گشوده است. در ادامه این تحلیل آمده است: «با توجه به جایگاه رهبر برای حزب و برای عموم شیعیان معتقد به اصل ولایت فقیه؛ هدف قرار دادن رهبر عالی، هدف قرار دادن اساس عقیدتی حزب‌الله است».

CSSRD جنگ را «مرحله‌ای از درگیری تاریخی با اسرائیل» می‌داند و بر توان ایران برای پاسخ سنگین و چندلایه تأکید می‌کند. از منظر این مرکز، جنگ فرصتی برای «بازتعریف نقش ایران در نظم منطقه» است و می‌تواند به افزایش مشروعیت ایران در افکار عمومی عرب بینجامد. این تحلیل‌ها به‌وضوح در خدمت تقویت گفتمان مقاومت و مشروعیت‌بخشی به نقش ایران به‌عنوان حامی اصلی این جریان قرار دارند.

CSSRD با نگاه حمایتی و ایدئولوژیک، اما مستند به اطلاعات میدانی؛ ایران را ستون اصلی بازدارندگی منطقه و عامل توازن در برابر اسرائیل می‌داند. این مرکز بر افزایش مشروعیت ایران در افکار عمومی عرب تأکید دارد و به‌عنوان بلندگوی فکری محور مقاومت عمل می‌کند.

برآیند نهایی و ارزیابی راهبردی

تحلیل مضمون تولیدات فکری اندیشکده‌های عربی، سه چارچوب معنایی کلان را در بازنمایی ایران آشکار می‌سازد:

۱. چارچوب تهدید و مهار (Threat & Containment): در این الگو که عمدتاً در اندیشکده‌های خلیجی EPC و KFCRIS غالب است، ایران به‌عنوان قدرتی تصویر می‌شود که از مرزهای مشروعیت فراتر رفته و باید با ابزارهای نظامی و اقتصادی مهار شود. در این چارچوب، جنگ با ایران ابزاری برای مهار تهران و مشروعیت‌بخشی به حضور نظامی آمریکا در منطقه تلقی می‌گردد.

۲. چارچوب مقاومت و بازدارندگی (Resistance & Deterrence): این الگو که در مراکز قطری (ACRPS) و لبنانی (CSSRD) غالب است، ایران را به‌عنوان بازیگری عقلانی تصویر می‌کند که می‌کوشد از فروپاشی نظم منطقه‌ای جلوگیری کند و توازن



قدرت را در برابر هژمونی آمریکا و اسرائیل حفظ نماید. در این چارچوب، جنگ علیه ایران اقدامی بی‌منطق و پرهزینه ارزیابی می‌شود که ثبات کل منطقه را به مخاطره می‌اندازد.

۳. چارچوب عمل‌گرایی و فرصت‌جویی (Pragmatism & Opportunism): این الگو که در اندیشکده عراقی (النهرین) و تا حدی المسبار دیده می‌شود، ایران را به‌عنوان قدرتی می‌بیند که هر بحران را فرصتی برای تثبیت موقعیت خود می‌داند. در این چارچوب، ایران نه صرفاً یک تهدید و نه صرفاً یک قربانی، بلکه کنشگری هوشمند است که از ابزارهای متعدد برای پیشبرد منافع راهبردی خود بهره می‌برد.

در جمع‌بندی کلان، بازنمایی ایران در اندیشکده‌های عربی از وضعیت یکنواخت ضدایرانی در دهه‌های گذشته فاصله گرفته و اکنون طیفی از نگرش‌ها را شامل می‌شود. جدول زیر برآیند رویکردهای مختلف را به تفکیک هر اندیشکده نشان می‌دهد:

اندیشکده	الگوی بازنمایی	تصویر ایران	نگاه به جنگ	کارکرد گفتمانی
EPS امارات	تهدید ساختاری	تهدید امنیتی - نظامی	ابزار مهار	مشروعیت‌بخشی به حضور آمریکا و ائتلاف ضدایرانی
ACRPS قطر	بازدارندگی متقابل	قدرت تثبیت‌کننده	بی‌منطق و پرهزینه	تقویت گفتمان مقاومت و چندجانبه‌گرایی
المسبار دوبی	قدرت نرم و نفوذ اجتماعی	قدرت نرم قوی / نظامی متوسط	جنگ روایت‌ها	تحلیل پدیده‌های فرهنگی و ایدئولوژیک
KFCRIS عربستان	تهدید هسته‌ای - موشکی	چالش امنیت ملی	محتمل اما هزینه‌زا	موازنه‌سازی میان مهار و دیپلماسی
النهرین عراق	عمل‌گرایی و عقلانیت	شریک ثبات	فاجعه ژئوپلیتیک	پل ارتباطی ایران و جهان عرب
CSSRD لبنان	مقاومت و بازدارندگی	ستون بازدارندگی	مرحله تاریخی درگیری	مشروعیت‌بخشی به محور مقاومت

این برآیند نشان می‌دهد که «تصویر ایران در جهان عرب همگن نیست، بلکه چندروایتی است». هرچند روایت خلیجی همچنان هشدارآمیز و امنیتی‌محور است، اما در مقابل، مراکز قطری، عراقی و لبنانی بر وجوه بازدارندگی، عقلانیت و ثبات‌آفرینی ایران تأکید دارند. این دگرگونی، نشانه‌ای از تحول گفتمان عربی است؛ تحولی که اگر به درستی مدیریت شود، می‌تواند در خدمت بازسازی تصویر منطقه‌ای ایران قرار گیرد.



پیامدها برای دیپلماسی عمومی و تصویر ملی ایران

همان‌طور که اشاره شد؛ مطالعه‌ی بازنمایی ایران در تولیدات اندیشکده‌های عربی نشان می‌دهد که ذهنیت راهبردی عربی درباره‌ی تهران در حال دگرگونی است. در گذشته، ایران عموماً در قالب «تهدید» یا «بحران مداوم» تصویر می‌شد، اما اکنون تحلیل‌ها از نگاه تهدید صرف، به سمت درک ایران به عنوان «کنشگر تعیین‌کننده در نظم منطقه‌ای» حرکت کرده‌اند.

رویداد بزرگ این بازه زمانی (یعنی از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ که عملیات نظامی مشترک آمریکا و اسرائیل علیه ایران آغاز شد)، به مثابه آزمونی بزرگ برای تمامی تحلیل‌های پیشین عمل کرد. واکنش ایران به این حمله (از جمله پاسخ‌های موشکی به اسرائیل و پایگاه‌های آمریکایی و همچنین هدف قرار دادن زیرساخت‌های اقتصادی در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس)، نشان داد که ایران نه تنها توانایی جذب ضربات سنگین را دارد، بلکه می‌تواند هزینه‌های جنگ را به شکلی قابل توجه به طرف مقابل تحمیل کند. این واقعیت میدانی، حتی تحلیل‌های بدبینانه خلیجی را نیز به بازنگری واداشته است.

بازنمایی متکثر ایران در گفتمان عربی، از یک سو چالشی برای پروژه «ایران‌هراسی» غربی به وجود آورده و از سوی دیگر، فرصت ارزشمندی برای بازیابی تصویر برند ملی ایران در منطقه فراهم کرده است. برای بهره‌گیری از این شرایط، اقدامات زیر برای دستگاه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌شود:

۱. **دیپلماسی نخبگانی فعال:** مشارکت مستقیم نهادهای پژوهشی و دانشگاهی ایرانی در گفت‌وگوهای علمی با اندیشکده‌های عربی (به‌ویژه مراکز میانه‌رو مانند ACRPS، النهرین و CSSRD).
۲. **بازاریابی محتوایی به زبان عربی:** انتشار ترجمه حرفه‌ای دیدگاه‌های کارشناسان ایرانی در موضوعات امنیت منطقه‌ای، انرژی و ثبات خلیج فارس از طریق پلتفرم‌های عربی.
۳. **ایجاد شبکه دیده‌بانی اندیشکده‌ای:** رصد منظم تولیدات فکری عربی برای پاسخ تحلیلی و منطقی به روایت‌های نادرست یا مغرضانه.
۴. **روایت جایگزین در رسانه‌های منطقه‌ای:** تبیین سیاست‌های ایران در قالب‌های مثبت چون ثبات آفرینی، امنیت انرژی و مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی.
۵. **هم‌گرایی با مراکز میانه‌رو عربی:** قطر، عراق و لبنان می‌توانند نقطه‌های آغاز برای گفت‌وگوهای راهبردی و اعتمادسازی با جهان عرب باشند.